یادداشت

سیدعبدالله متولیان | کارشناس سیاسی

یمن از سکوی فشار تا عمق قدرت

عملیات «وَاللَّهُ أَشَـــدُّ بَأْسًا وَأَشَـــدُّ تَنْكِيلًا» علاوه بر تغییر نقشه میدان معماری قدرت در ســـاحل غربی یمن را شکســـت و منطق نبرد را از «تحمیل فشار» به «تحمیل هزینه» منتقل کرد.

در جنگ‌ها گاهی اهمیت یک پیروزی نه در فتح گســـترده سرزمین، بلکه در ساختاری است که همراه آن فرو می‌ریزد. آنچه در ساحل غربی یمن رخ داده، از این جنس است. عملیاتی که با فروپاشی خطوط دفاعی تحت حمایت عربستان، خروج نیروهای وابســـته از چندین منطقه و سقوط مواضع کلیدی، نشان داد برتری مالی، تسلیحاتی و هوایی لزوماً به معنای توان نگه‌داشتن میدان نیست. مسئله اصلی، تغییر «کارکرد زمین» در معادله جنگ است.

اول، فروپاشـــی یک معماری راهبردی نظامی: در محور عملیاتی تعز و الحدیده، عقب‌نشـــینی نیروهای تحت حمایت ائتلاف از چندین شهر و بخش، عملاً بخشی از عمق دفاعی ایجادشـــده برای مهار انصارالله را از میان برد. سقوط مواضعی چون المخا و پایگاه خالد بن ولید نیز صرفاً از دست رفتن چند نقطه نظامی نبود. این رخداد، پیوستگی لجستیکی و فرماندهی جبهه را تحت تأثیر قرار داد.

دستاورد تاکتیکی عملیات، در «پیشروی» خلاصه نمی‌شود؛ ابتکار عمل از مدافع گرفته و به مهاجم منتقل شـــده است. وقتی خطوطی که برای سال‌ها با پشتیبانی خارجی ساخته شده‌اند در مدت کوتاه فرو می‌ریزند، مسئله دیگر حفظ یک موضع نیست، مسئله اعتبار کل الگوی جنگ است.

دوم، شکســـت الگوی جنگ از ساحل: ســـاحل غربی یمن سال‌ها قرار بود سکوی فشار بر صنعا باشـــد. اکنون همین جغرافیا می‌تواند به عمق راهبردی مقاومت تبدیل شود. این تغییر از خود زمین مهم‌تر است. کنترل مناطق ساحلی و دسترسی به نقاطی مانند ذباب، همراه با اهمیت جزایر میون، حنیش و زقر به انصارالله امکان می‌دهد جغرافیا را به یک اهرم فعال تبدیل کند، اهرمی که آثار آن علاوه بر یمن می‌تواند محاسبات دریایی، تجاری و امنیتی منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. در این نگاه، باب‌المندب محل تبدیل قدرت زمینی به اثرگذاری ژئوپلیتیکی است.

ســـوم، ریاض و پایان «پیروزی با هزینه دیگـــران»: یکی از مهم‌ترین پیام‌های این عملیات برای عربستان آن است که پول، سلاح و پشتیبانی خارجی، جایگزین قدرت نگه‌داشتن میدان نمی‌شود. ائتلافی که برای سال‌ها می‌کوشید با برتری هوایی و شـــبکه نیروهای نیابتی، موازنه را کنترل کند، اکنون با پرسشی دشوار روبه‌روست. اگر هر پیروزی نیازمند هزینه فزاینده باشد، اما نتیجه سیاسی حاصل نشود، اساساً چه کسی در حال پیروزی است؟ این همان نقطه‌ای است که «برتری نظامی» با «توان تحمیل اراده» از هم جدا می‌شوند.

چهارم، پیام یمن برای جبهه مقاومت: اهمیـــت راهبردی این پیروزی از مرزهای یمن عبور می کند. برای حزب‌الله لبنان، پیام میدان یمن روشن است، فشار در یک جبهه الزاماً به شکست راهبردی مقاومت منجر نمی‌شود. میدان می‌تواند دوباره سازمان پیدا کند و ابتکار عمل را بازگرداند. برای ایران نیز این تحول نشان می‌دهد قدرت منطقه‌ای فقط در ظرفیت‌های مستقیم خلاصه نمی‌شود، شبکه‌ای از بازیگران مقاومت، هرکدام در جغرافیای خود، می‌توانند هزینه‌های متفاوت و مکملی بر رقیب تحمیل کنند. پیروزی یمن، از این منظر، افزایش «عمق راهبردی شبکه مقاومت» است.

پنجم، پیروزی فراتر از نقشه و جغرافیا: دستاورد بزرگ عملیات نظامی انصارالله آن نیست که صرفاً چند منطقه و موضع نظامی تغییر مالکیت داده‌اند. دســـتاورد اصلی، تغییر محاسبه قدرت است. دشمنی که تصور می کرد می‌تواند با اتکا به برتری هوایـــی منابع مالی و حمایت خارجی، جنگ را در یک جغرافیـــا مدیریت کند، اکنون ناچار اســـت پیامدهای تصمیم خود را در چند جغرافیا محاسبه کند.

این پیروزی برای جبهه مقاومت یک سرمایه روانی و راهبردی نیز است. در لبنان، یادآور آن است که عقب‌نشینی یا فرسایش در یک مقطع، پایان مسیر نیست و برای ایران، مؤید این واقعیت است که فشار بر یک حلقه از زنجیره مقاومت می‌تواند با پاسخ حلقه‌ای دیگر مواجه شود. در سوی مقابل نیز پیام روشن است. دیگر نمی‌توان با طراحی جنگ از بیرون، نتیجه آن را از دور تعیین کرد. از این پس، هر فشار باید هزینه‌اش را در چند میدان بپردازد. ساحل غربی یمن در این عملیات با عبور از خط مقدم جبهه نبرد، از سکوی فشار به عمق قدرت تبدیل شد. و این شاید مهم‌ترین معنای «وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا» باشد. مقاومت برای بقا نمی‌جنگد، بلکه با تغییر قواعد محاسبه قدرت، زمینه را برای شکل‌گیری تمدن بزرگ اسلامی مهیا می‌کند.

نکته

چرا کسی روایت نجات خلبانان امریکایی را باور نکرد

شکست «حماسه نجات» با روایت هالیوودی

روایت تازه واشینگتن از ماجرای نجات خلبانان امریکایی در ایران، این بار با چاشنی یک «حماسه» رســـانه‌ای همراه شده است؛ روایتی که در آن، فرار خلبانان، ایمان آنان، ۵۰ ساعت گریز و عملیات گسترده نجات، به متن اصلی ماجرا تبدیل شده و اصل درگیری و خسارت‌های واردشده به نیروهای امریکایی به حاشیه رفته است. پایگاه اطلاع‌رسانی سپاه با رد این روایت، تأکید کرده است که پشت پرده «حماسه نجات»، واقعیتی به نام شناسایی و رهگیری نیروهای امریکایی و سرنگونی جنگنده F15E استرایک‌ایگل با کال‌ساین DUDE 44 قرار دارد.

۱۴ فروردین‌ماه امسال دو فروند هواپیمای عملیات ویژه J130-MC پس از ورود به عمق خاک ایران شناسایی و رهگیری شدند و در جریان درگیری آسیب جدی دیدند؛ آسیب‌هایی که در نهایت آنها را در یک باند صحرایی زمین‌گیر کرد. به گزارش ســـپاه نیوز، در جریان این عملیات، چند فروند بالگرد MH-6 لیتل‌برد و بالگردهای پشتیبان نیز آسیب دیدند یا امکان خروج پیدا نکردند. بر اساس این گزارش، نیروهای امریکایی پس از ناامیدی از بازیابی تجهیزات، برای جلوگیری از افتادن لاشه‌ها و فناوری‌های حساس به دست ایران، هواپیماها و بالگردهای باقی‌مانده را عمداً منهدم کردند. پایگاه اطلاع‌رسانی سپاه، ادعای «گیر کردن ساده چرخ‌ها در شن» را که واشینگتن علت حادثه عنوان کرده، یک «نمایش هالیوودی» برای مدیریت افکار عمومی امریکا توصیف کرده است. آنچه امریکا منتشر کرده، همه ابعاد حادثه را بازگو نمی‌کند. این گزارش با اشاره به تکرار مکرر واژه‌های مرتبط با امریکا و مردم این کشور در روایت منتشرشده، آن را تلاشی برای آرام کردن افکار عمومی خسته از یک جنگ «پرهزینه و نامحبوب» می‌داند. گزارش همچنین به زخمی‌شدن چند افسر امریکایی و نابودی دو هواپیمای هرکولس و چند لیتل‌برد اشاره کرده و می‌نویسد یک فروند بلک‌هاوک، یک جنگنده A-10 و چند پهپاد از سری‌های MQ-9 و MQ-1 نیز در این ماجرا مطرح هستند؛ تجهیزاتی که، یا در روایت منتشرشده امریکا جایی نداشته‌اند یا با سرعت از کنار آنها عبور شده است. اما، «اصل ماجرا» نه روایت بقای خدمه و عملیات نجات، بلکه رهگیری و سرنگونی جنگنده F-15E استرایک‌ایگل با شماره بدنه ۰۰-۳۰۰۰ و کال‌ســـاین DUDE 44 است. این گزارش، هواپیمای مذکور را متعلق به اســـکادران ۴۹۴ جنگنده از بال ۴۸ و مستقر در پایگاه لیکنهیث بریتانیا معرفی می کند و می‌افزاید که لاشه و علائم شناسایی آن نیز بعداً در ایران به نمایش درآمده است. به نوشته سپاه نیوز، تمرکز رسانه‌های امریکایی بر «سقوط معجزه‌آسا»، ایمان خلبان، فرار ۵۰ ساعته و عملیات عظیم نجات، نقطه کانونی خبر را تغییر داده است؛ به‌گونه‌ای که به‌جای پاسخ به یک پرسش اساسی ـــ چگونه DUDE 44 در عمق خاک ایران کشف و سرنگون شد؟ ـــ افکار عمومی با داستان قهرمانی خدمه و تیم نجات مواجه می‌شود. بر اساس این روایت، آنچه در قاب رسانه‌های امریکایی برجسته شده، «حماسه نجات» است؛ اما واقعیتی که در پس این روایت قرار دارد، چیز دیگری است: سرنگونی یک جنگنده F-15E و خسارت‌های سنگین عملیات امریکا برای بازیابی خدمه و تجهیزات.

قضائی

۱۵۳۵ مدیر متخلف در مناصب شرکت‌های دولتی

رئیس دستگاه قضا گفت: «۱۵۳۵ نفر به‌صورت غیرقانونی در هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی عضو بودند که برخی از آنها با تذکر اســـتعفا دادند». اخیراً رئیس سازمان بازرسی نیز گفت: «برخی از اعضای هیئت‌مدیره شـــرکت‌های دولتی در ۱۰ شـــرکت عضو بوده و بعضی از آنها بازنشســـته بوده‌اند»! دیوان محاسبات گفته اســـت فقط حدود نیمی از ۳۴۲ شرکت دولتی سودده هســـتند! اکنون پرســـش این است: چرا مدیر متخلف بازنشســـته که قطعاً تعارض منافع دارد و قطعاً عضویت او در ۱۰ شـــرکت دلیل کافی برای ناکارآمدی است و درعین‌حال عملکـــرد آنـــان می‌تواند بودجه کشـــور را نابود کند، باید در این تخلفـــات باقی بمانند.

شناســـایی ۱۵۳۵ عضو هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی و وابســـته به دولت که عضویت آنها مغایر با قانون تشخیص داده شده اســـت، تشکیل پرونده کیفری برای ۳۵۹ نفر از آنان و تأکید بر بررســـی و بازگرداندن اموال نامشروع، بار دیگر موضوع نظارت بر شرکت‌های دولتی و زمینه‌های شکل‌گیری فساد در این مجموعه‌ها را به کانون توجه قوه قضائیه آورده است. رئیس قوه قضائیه با تأکید بر ضرورت اصلاح وضعیت این شـــرکت‌ها و صدور دستور برای یک بررســـی «قاطع، ضربتی و دقیق»، تصریح کرد که مبارزه با فســـاد همچنان در اولویت اصلی دستگاه قضا قرار دارد و این قوه در چارچوب قانون، با فساد مقابله‌ای «علمی، حرفه‌ای و ریشـــه‌ای» و، در عین حال، قاطع و بازدارنده خواهد داشت.

حجت‌الاسلام محســـنی‌اژه‌ای، روز گذشته، طی ســـخنانی در نشست شـــورای عالی قوه قضائیه به موضوع شـــرکت‌های دولتی و وابســـته به دولت و بودجه‌ای که به آن‌ها طی سنوات مختلف اختصاص داده می‌شـــود، پرداخت و اظهار کرد: تعداد قابل توجهی از شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت در کشور وجود دارد. برخی آگاهان، تعداد آن‌ها را بیش از ۳۰۰ شرکت قلمداد می‌کنند، بودجه تخصیصی به این شرکت‌ها بیش از بودجه دولت است. در اینجا به رئیس سازمان بازرسی کل کشور دستور می‌دهم بررسی ویژه و جامعی را پیرامون این شرکت‌ها به عمل آورد. باید به طور دقیق مشـــخص شـــود که شرکت‌های مزبور، این بودجه‌ها را در چه حوزه‌هایی صرف می‌کنند؟ آیا ســـودده هســـتند یا زیان‌ده؟ این شـــرکت‌ها چگونه اداره می‌شـــوند؟ آیا اساساً وجودشان ضروری است؟ علی‌ای‌حال باید یک اقدام جامع و آسیب‌شناسانه در باب این شرکت‌ها صورت گیرد. باید مشخص شـــود که تعداد دقیق اعضای هیئت‌مدیره‌های این شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت چه مقدار است؟ آیا این اعضای هیئت‌مدیره‌ها اعـــم از موظف و غیرموظـــف، در بخش‌های دیگر نیز مشغول هســـتند یا خیر؟ باید دقیق مشخص شـــود که میزان دریافتی، حقوق، پاداش یا حق جلسه آنها چه مقدار است؟ آیا هیئت‌مدیره‌ای که پاداش می‌گیرد، شرکت متبوعش سودده است یا زیان‌ده؟ قطعاً اگر شرکتی زیان‌ده باشد و اعضای هیئت‌مدیره‌اش پاداش دریافت کنند، امری خلاف قانون صورت گرفته است.

رئیس دستگاه قضا به مقوله بودجه مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌های دولتی نیز گریزی زد و گفت: این شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت، بودجه‌ای تحت عنـــوان بودجه مســـئولیت‌های اجتماعی دریافت می‌کنند. این مقوله، فی‌نفسه پسندیده و مستحسن است، لکن باید مشخص شود که این بودجه مسئولیت‌های اجتماعی، در کدام حوزه‌ها مصرف می‌شود.

رئیس عدلیه با اشاره به پاداش‌هایی که به اعضای هیئت‌مدیره شـــرکت‌های دولتی تعلق می‌گیرد، عنوان کرد: من سال‌ها قبل روی موضوع شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت متمرکز شده بودم. چندی پیش نیز از یک مسئول ذی‌صلاح در باب پاداشی که اعضای هیئت‌مدیره یک شرکت مشخص، دریافت کرده بودند، استفسار کردم که مسئول مربوطه پاسخ داد که چنانچه پاداش دریافتی از ســـود خالص آن شرکت باشد، بلامانع و قانونی است. من خطاب به آن مسئول ذی‌صلاح گفتم که موضوع اصلی نیز همین است که آیا این پاداش دریافت‌شده از سود خالص شرکت بوده یا خیر؟

محسنی‌اژه‌ای، با تأکید بر اهمیت اصلاح وضعیت شرکت‌های دولتی و وابســـته به دولت اظهار کرد: رئیس وقت سازمان بازرسی در مقطع ریاست آقای خداییان طی گزارشـــی به من اعلام کرد که بالغ بر هزار و ۵۳۵ عضو هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت شناسایی شده‌اند که عضویت آنها مغایر با قانون است؛ تعدادی از آنها با ورود سازمان بازرسی استعفا دادند؛ برای ۳۵۹ نفر از آنها نیز که به قانون تمکین نکردند، پرونده کیفری تشـــکیل شد. علی‌ای‌حال تأکید مؤکد دارم که موضوع مورد اشاره باید با جدیت دنبال شود. این مقوله، آسیب‌زا و زمینه فساد است. علاوه بر اهتمام ویژه درخصوص تعیین تکلیف تمامی آن ۳۵۹ نفری که برایشـــان پرونده کیفری تشکیل شده، باید مالی که تمامی آن هزار و ۵۳۵ نفر نیز تحصیل کرده‌اند، مورد بررسی جامع قرار گیرد و چنانچه نامشروع و مغایر با قانون بوده، مسترد گردد. سازمان بازرسی کل کشور در این فقره، در تکمیل اقدام قبلی یک اقدام قاطع، ضربتی و دقیق دیگر انجام دهد. وضعیت فعلی شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت باید اصلاح شود.

مبارزه با فساد یک امر محتوم و قطعی

رئیس قوه قضائیه در ادامه نشســـت با تأکید مؤکد پیرامون اهمیت حمایت از فعالیت اقتصادی مولد، اظهار کرد: بخش‌های ذی‌ربط قضایی به هیچ وجه از مقوله حمایت از تولید، رفع موانع تولید و مساعدت نسبت به جذب سرمایه‌گذاری مولد، غافل نشوند و جلسات ستاد پیگیری اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را بـــا جدیت دنبال کنند. حمایت از اقتصاد مولد، اولویت درجه اول کشـــور و به تبع آن، قوه قضائیه اســـت. مجدداً تأکید مؤکد دارم که در فرایند رســـیدگی به اتهامات متولی و صاحب یک بنگاه تولیدی، نهایت اهتمام به خرج داده شود تا حتی‌المقدور، آن بنگاه تولیدی، پلمب نشـــود و حســـاب‌های آن مســـدود نگردد و چرخه تولید و اشتغال در آن، از حرکت بازنایستد. همچنین چنانچه ضرورتی ایجاب نمی‌کند برای یک فعال اقتصادی دارای بنگاه تولیدی، به سبب پرونده مفتوحی که دارد، تجویز ممنوع‌الخروجی و مسدودالحســـابی نشود و چنانچه بنا بر ضرورت، این امر انجام گرفت، به محض رفـــع ضرورت، ســـریعاً نســـبت به رفع ممنوع‌الخروجی و مسدودالحسابی آن فعال حوزه اقتصاد مولد، اقدام شود.

رئیس دستگاه قضا، مبارزه با فساد را یک امر محتوم و قطعی دانست و بیان داشت: مبارزه با فساد، کماکان اولویت اصلی قوه قضائیه است و این امر هیچگاه از اولویت ما خارج نخواهد شـــد. ما با فساد، مقابله‌ای علمی، حرفه‌ای و ریشه‌ای خواهیم داشت و در عین حال تمام سعی و جهدمان را معطوف می‌داریم که در این مســـیر در ضمن رعایت مرّ قانون؛ قاطعانه و بازدارنده عمل کنیم.

رئیس عدلیه با تشریح مؤلفه‌های ایجاد بازدارندگی در امر مبارزه با فساد گفت: ما کماکان معتقدیم که در راستای ایجاد بازدارندگی در امر مبارزه با فساد و ارتقای آگاهی‌های مردمی در این راستا، می‌توان تا آنجایی که مخل قانون نباشد، برخی از گزارش‌های سازمان بازرســـی را به‌صورت عمومی منتشر کرد. همچنین در همین راستا لازم اســـت با همکاری مجلس، لایحـــه‌ای را تدوین کنیـــم که مضمون و محتوای آن، برگزاری هر چه بیشتر دادگاه‌های علنی و انتشار مفاد آنها باشد. البته پُر واضح است که انتشار مفاد دادگاه‌ها، باید ضرورتاً منطبق با قانون و شرع انور باشد و انتشار مفاد دادگاه‌ها چنانچه مخل امنیت و عفت عمومی نباشد، پذیرفته است.

مطالبه اصـــلاح قانون بـــرای برگزاری دادگاه‌های علنی

قاضی‌القضات در ادامه تأکیداتش در این راســـتا، خطاب به «دادستان کل کشور»، «رئیس سازمان بازرسی» و «معاون پیشگیری از وقوع جرم» دستور داد در حیطه مسئولیت‌هایی که بعضاً هم‌پوشانی میان نهادهای متبوع آنها وجود دارد و مشـــخصاً به حقوق عامه مربوط می‌شـــود، نهایت همکاری و همفکـــری را با یکدیگر داشـــته باشـــند تا مبادا موازی‌کاری انجام شود. رئیس قوه قضائیه در همین راستا متذکر شد: به هیچ وجه نباید این گونه باشد که سازمان بازرسی، پیرامون موضوعی، تحقیقات جامع انجام دهد و پرونده مربوطه را به مرجع قضایی ذی‌صلاح ارســـال کند و آن مرجـــع قضایی به این تحقیقات جامع سازمان بازرسی، بی‌التفاتی کند.

رئیس قوه قضائیه به موضوع مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی پرداخت و ضمن اشـــاره به دستورالعمل صادره در تاریخ ۹ فروردین ۱۴۰۲، از ناحیه رئیس قوه قضائیه خطاب به تمام دستگاه‌های مسئول تأکید کرد: ما کماکان معتقدیم با عمل به همین قوانین موجود، از جمله مفاد «قانون مجازات اســـلامی»، «قانون آیین دادرســـی کیفـــری» و مقوله «جرم مشهود» مندرج در این قانون، قوانین ناظر بر حوزه اختیارات و تکالیف اصناف و اماکن و «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیـــان از منکر» می‌توان در راســـتای بهبود و ارتقاء وضعیـــت ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه اقدام کرد.

گفت‌وگو
فائزه سادات یوسفی

سیدرضا صدرالحسینی در گفت‌وگو با «جوان»:

تفکیک امریکا از اسرائیل سفیدشویی واشینگتن است

از دیرباز دوگانه‌ســـازی امریکا و رژیم اســـرائیل از شیوه‌های طرفداران تعامل کشور با دشمن ایران، یعنی امریکا، بوده است. رویکردی که با اغماض از عملکرد ضـــد ایرانی و جنایت‌های متعدد اقتصادی و انسانی امریکا تلاش می‌کند که با ارائه تصویر غلط، خصومت ذاتی امریکا را به رژیم اســـرائیل منتسب و این کشور را از همه جنایت‌هایش تبرئه کند، به‌طوری که گویا اصلاً اراده‌ای در کاخ سفید برای منازعه با ایران وجود ندارد. در همین راستا با آقای سیدرضا صدرالحسینی، کارشناس مسائل منطقه گفت‌وگویی داشتیم تا با ریشه‌یابی این رویکرد مغرضانه، اهداف جریان‌های سیاسی که پس از جنگ، به‌طور ویژه‌ای روی تفکیک کردن امریکا از رژیم اســـرائیل تمرکز کرده‌اند، شرح دهیم.

■ ■ ■

در ماه‌های اخیر، ایده تفکیک میـــان امریکا و رژیم صهیونیستی در فضای رســـانه‌ای و سیاسی بیش از گذشته مطرح شده است. به نظر شما، این دیدگاه از چه زمینه‌های فکری و تاریخی نشئت می‌گیرد و اساساً تا چه اندازه می‌توان از منظر تاریخی و سیاسی، میان امریکا و رژیم صهیونیستی تفکیک قائل شد؟

موضوع مطرح نمودن تئوری جدایی رژیم صهیونیســـتی از امریکا، یا بهتر بگوییم امریکا از رژیم صهیونیستی، موضوع جدیدی نیست. واقعیت هم این است که این مسئله را فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های کشـــورهای امریکا و اروپایی، از دهه ۱۳۷۰ در داخل کشور مطرح می‌کردند. مبنای این تئوری هم این بود که ما می‌توانیم با امریکا، به‌عنوان یک کشور متمدن و پیشـــرفته و کشوری که علاقه‌مند به تعامل با همه دنیا است، ارتباطات صمیمانه داشته باشیم و در سوی مخالف هم‌زمان صهیونیسم بین‌المللی و رژیم غاصب صهیونیستی را به‌عنوان غده سرطانی شناخته و بر اساس اصول بیان‌شده از جانب رهبر کبیر انقلاب اسلامی، همچنان در دستور کار سیاست خارجی و اقتصاد کشور داشته باشیم. در فراز و فرود بیش از ۴۰ سال از این ایام، شارحان این تئوری هیچ‌گاه نخواستند همبستگی و پیوستگی و غیرقابل‌انفکاک بودن تفکر لیبرال‌دموکراســـی و صهیونیسم را از یکدیگر تشخیص دهند یا، اگر متوجه شدند، نخواستند این واقعیت عدم تفکیک را به جامعه روشنفکری و دانشگاهی و توده‌های مردم منتقل کنند.

در واقع، می‌توان گفت که تفکر لیبرال‌دموکراسی که از ۴۰۰ سال قبل توانسته بســـیاری از ایســـم‌های رقیب را از صحنه خارج کند، خود پرورش‌دهنده تفکر غیرانسانی صهیونیســـم بوده است. این تفکر بود که بعد از جنگ جهانی اول، کشور غاصب صهیونیستی را به وجود آورد و در طول ۷۰ ســـال گذشته، هیچ جنایتی نیست که صهیونیست‌ها انجام داده باشند و سردمداران تفکر لیبرالیسم حامی این اقدامات نبوده و از آن حمایت نکرده باشند.

شاید برای یک مصاحبه تلفنی کوتاه نتوان بیش از این به تاریخ این جنایت‌های مشترک اشاره نمود، اما موضوع جنایت نسل‌کشی در غزه که کمتر از سه سال از آن می‌گذرد، موضوعی تازه است که می‌توان به‌عنوان یک رویداد جنایت‌بار در تاریخ بشریت از آن نام برد. جنایتی که رژیم غاصب صهیونیستی با سلاح‌های امریکایی مرتکب آن شد و جهان و دولتمردان غرب، به‌ویژه امریکا، نه‌فقط سکوت، بلکه همراهی قابل‌توجهی نمودند.

در اوج این جنایت، کنگره امریکا تمام‌قد برای جانی این جنایت‌ها، یعنی شخص بنیامین نتانیاهو، سرپا ایستاد و او را تشویق نمود. بر این اساس، یک بار دیگر می‌توان به تاریخ تشکیل رژیم صهیونیستی توسط منبع تفکر لیبرال‌دموکراسی اشاره نمود و حمایت‌های بی‌دریغ آن را در طول تاریخ تشکیل این رژیم فاسد مورد اشاره قرار داد. افکار عمومی فراموش نمی‌کنند که رؤسای مختلف امریکا، در همین اواخر، ترامپ، این جمله فراموش‌نشدنی را برای عدم تفکیک امریکا از اسرائیل بیان کردند که «اگر اسرائیلی وجود نداشت، ما باید آن را ایجاد می‌کردیم.»

بعد از جنگ، این مسئله در داخل کشور از سوی برخی پررنگ شده است. به نظر شـــما هدف مطرح‌کنندگان داخلی این ایده چیست و چه تبعاتی را به وجود می‌آورد؟

از مســـائل مهمی که از دهه ۷۰ تاکنون با آن روبه‌رو هســـتیم، این جداسازی اسرائیل از امریکا، با یک نگاه به‌اصطلاح و ظاهراً دلسوزانه برای رفع کاستی‌های اقتصادی ایران، مطرح می‌شود.

بعد از پیروزی‌های مشـــخص و غیرقابل‌انکار ملـــت ایران در مقابل امریکایی‌ها، مدتی اســـت مجدداً این تفکر به زبان آمده است که ما برای رفع کدورت‌ها و حل اختلافات با امریکایی‌ها و، در نتیجه توسعه اقتصادی در کشور، می‌توانیم دو رژیم صهیونیستی، اسرائیل و امریکا، را از هم جدا بدانیم و در ضمن مبارزه با رژیم صهیونیستی، روابط خوب و حسنه‌ای با امریکایی‌ها داشته باشیم. به نظر می‌رسد این تفکر بعد از پایان جنگ سه‌مرحله‌ای ۱۲ روزه، ۴۰ روزه و ۱۷ روزه، بیشتر به دنبال برجسته نمودن آسیب‌هایی است که ما در این دفاع مقدس با آن روبه‌رو هستیم و تصور می‌کند که حل مشکلات اقتصادی کشور با جدا نمودن رژیم سیاسی امریکا و رژیم صهیونیستی می‌تواند به نفع توسعه و پیشرفت کشور عزیزمان ایران برآید.

به نظر می‌رسد شـــویندگان جنایات امریکا و رژیم صهیونیستی در ایران به دنبال این مسئله هستند که رژیم سیاسی امریکا را رژیمی صلح‌طلب، خیرخواه، آزادمنش و امنیت‌محور برای همه نقاط دنیا معرفی کنند. اما واقعیت امر این است که ملت ایران در طول بیش از ۷۰سال گذشته، از کودتای ننگین ۱۳۳۲ تاکنون، و به‌ویژه نسل جوان ما که داغ شهدای جنگ‌های اخیر را در طول یک سال گذشته هنوز در مقابل چشم خود دارند، امکان جدا نمودن رژیم صهیونیستی از امریکا را، با ادله مختلف تاریخی، حقوقی و سیاسی، غیرممکن می‌دانند.

واقعیت امر این است که این جریان مشکوک در ایران تلاش می‌کند، علی‌رغم آنچه در هیئت حاکمه امریکا، از دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات، می‌گذرد، در داخل کشـــور به گونه‌ای دیگر جلوه دهد و موضوع غیرقابل‌ارتباط بودن یا جنایات امریکا در شرایط کنونی را به شکلی سفیدشویی نموده و حتی تلاش می‌کنند که مسئله مذاکرات جمهوری اســـلامی با امریکا را نیز، که موضوعی کاملاً مشخص و محدود به جنگ تحمیلی سوم است، به آینده ایران تسری و موضوع پایان جنگ را به صلح دائمی با امریکا ارتباط دهند. آن‌ها تلاش دارند که با تطبیق مسیر مذاکرات به سمت هدف دلخواه خود که پیامد آن ارتباط با امریکا و در نتیجه بلعیده شدن ایران است به نفع تفکر غیرقابل‌قبول خود بهره ببرند.

خبر

جانشین سازمان بسیج مستضعفین:

حکمت رهبری خدعه امریکا را باطل کرد

جانشین سازمان بسیج مســـتضعفین با تأکید بر اهمیت جهاد تبیین در میدان جنگ ترکیبی و شناختی، گفت: امروز روایت‌گری صحیح و به‌موقع، بخشی از میدان مقابله با دشمن است و مسئولان و فعالان این عرصه باید با شـــناخت دقیق طراحی‌های دشمن، اجازه ندهند حقیقت با روایت‌های تحریف‌شده جایگزین شود.

■ ■ ■

به گزارش خبرگزاری بسیج، سردار قریشی، جانشین سازمان بسیج مستضعفین در جمع نخبگان و سرشـــبکه‌های تبیینی ثامن سراسر کشور در مشهد مقدس با تشریح نقش تمدنی بسیج در مقابله با جبهه کفر و روایت نصر و اقتدار ایران اســـلامی و با تأکید بر اهمیت جهاد تبیین در میدان جنگ ترکیبی و شـــناختی، گفت: امروز روایت‌گری صحیح و به‌موقع، بخشـــی از میدان مقابله با دشمن است و مسئولان و فعالان این عرصه باید با شناخت دقیق طراحی‌های دشمن، اجازه ندهند حقیقت با روایت‌های تحریف‌شده جایگزین شود. وی با بیان اینکه «روایت» می‌تواند بر ذهن و برداشت مخاطب اثر بگذارد، افزود: در جنگ روایت‌ها، کســـی موفق است که هوشـــمندانه، قدرتمند و به‌موقع عمل کند؛ البته از منظـــر اعتقادی، دروغ و تحریف جایگاهی ندارد و آنچه اهمیت دارد، بیان به‌موقع حقیقـــت و جلوگیری از آن است که دشـــمن روایت نخســـتین و اثرگذار خود را بر افکار عمومی تحمیل کند.

قریشی، جهاد تبیین را فراتر از اطلاع‌رســـانی دانست و گفت: جهاد تبیین یعنی روشن کردن حقیقت در برابر تحریف، آشکار کردن حق از باطل و مقابله فعالانه با هجمه‌ای که دشمن برای وارونه‌سازی واقعیت به راه می‌اندازد. تجربه تاریخی نشـــان داده است که هرگاه حقیقت به‌درستی تبیین نشود، دشـــمن می‌تواند جای مظلوم و ظالم، حق و باطل و حتی جلاد و شـــهید را در افکار عمومی جابه‌جا کند. سردار قریشی با تأکید بر ضرورت شناخت تقابل تاریخی میان جبهه حق و باطل، افزود: تحولات امروز را نمی‌توان صرفاً در قالب حوادث روزمره و خرده‌روایت‌ها تحلیل کرد. آنچه در منطقه و در مواجهه ایران با جبهه امریکایی ـ صهیونیســـتی جریان دارد، بخشـــی از یک تقابل عمیق تاریخی و تمدنی اســـت که در دوره معاصر با پیروزی انقلاب اسلامی وارد مرحله‌ای تازه شـــده و ظرفیت‌های جدیدی را در جهان اسلام پدید آورده است.

مسئله فلسطین بخشی از پروژه مهار جهان اسلام

جانشین سازمان بسیج مستضعفین ادامه داد: برای فهم درست این تقابل باید ریشـــه‌های تاریخی شکل‌گیری نظام ســـلطه، استعمار و پروژه‌های غرب در منطقه را شـــناخت. تحولات مربوط به فلسطین و شـــکل‌گیری رژیم صهیونیســـتی را نمی‌توان جدا از سیاست‌های اســـتعماری قدرت‌های غربی و تلاش آنان برای تثبیت یک ساختار وابسته در قلب جهان اسلام بررسی کرد. بررسی تاریخ نشان می‌دهد که قدرت‌های استعماری برای حفظ منافع خود، همواره از ابزارهای مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و حتی مذهبی استفاده کرده‌اند و در مقاطع مختلف کوشیده‌اند با ایجاد اختلاف میان ملت‌های مسلمان، ظرفیت جهان اسلام را تضعیف کنند. از این منظر، مسئله فلسطین صرفاً یک مناقشـــه جغرافیایی نیســـت، بلکه بخشـــی از یک پروژه گسترده‌تر برای مهار ظرفیت‌های جهان اسلام است.

سردار قریشی با اشاره به تأثیر انقلاب اسلامی بر معادلات منطقه‌ای، اظهار کرد: انقلاب اســـلامی با الهام‌بخشـــی به ملت‌های مسلمان و حمایت از جریان مقاومـــت، معادلاتی را تغییـــر داد که قدرت‌های غربی طی ســـال‌ها برای تثبیت آن تلاش کرده بودنـــد. مقاومت در لبنان و فلســـطین نیز به تدریج توانست از یک جریان محدود به یک ظرفیت اثرگذار منطقه‌ای تبدیل شـــود و در برابر رژیم صهیونیستی ایستادگی کند.

شکست تصویر شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی

وی افزود: آنچه امروز بیش از گذشـــته اهمیت پیدا کرده، شکســـت تصویر شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی و آشکار شدن آسیب‌پذیری آن است. سرزمین‌های اشـــغالی که ســـال‌ها به‌عنوان محیطی امن و برخوردار از رفـــاه برای صهیونیســـت‌ها معرفی می‌شـــد، امروز با واقعیت‌های جدیدی مواجه اســـت و این تغییر، یکـــی از نتایج مهم مقاومت و تحولات منطقه به شمار می‌رود.

جانشین سازمان بسیج مستضعفین با بیان اینکه دشمنی با جمهوری اسلامی صرفاً به یک موضوع سیاسی محدود نیست، گفت: جمهوری اســـلامی ایران پس از انقلاب، در شرایطی که با فشـــارهای گسترده اقتصادی، علمی، سیاسی و نظامی مواجه بود، توانست در عرصه‌های مختلف به پیشرفت دست پیدا کند و همین الگوی پیشرفت و استقلال، برای نظام سلطه قابل تحمل نیست. از همین رو، دشمن همواره به دنبال راه‌هایی برای متوقف کردن این حرکت بوده است. سردار قریشی تأکید کرد: امام شـــهیدمان در پی قدرت و اقتدار ایران در همه حوزه‌ها بود و یک راهبرد دو مرحله‌ای داشت: ۱ـ ایران از سطحی به قدرت برسد که دشمن از هرگونه تجاوز پشیمان شود و ۲ـ اصلاً دشمن فکر همه به ایران را نکند، که با تدابیر امام شهید بخش اول در زمان حیات مبارک ایشان محقق شد و بخش دوم با کمک خدا و هدایت امام رشیدمان در جنگ ۲۰۰ روزه در حال نمایان شدن است. وی با اشاره به طراحی‌های دشمن برای ایجاد بحران و بی‌ثباتی در کشـــور، اظهار کرد: دشمن در مقاطع مختلف تلاش کرده است با ترکیب فشار خارجی، جنگ روانی، ایجاد آشوب و تهدید نظامی، جمهوری اسلامی را دچار فرسایش و فروپاشی کند، اما ایستادگی ملت ایران و تدابیر اتخاذشده در سطح عالی نظام، این طراحی‌ها را با شکست مواجه کرده است.

شکست خدعه امریکا با حکمت و هوشمندی

جانشین سازمان بسیج مســـتضعفین، مهم‌ترین دستاورد تحولات اخیر را آشکار شدن نقش «درایت، هوشـــمندی و حکمت» رهبری در ایران دانست و گفت: حکمت و هوشمندی رهبر معظم انقلاب در پیام مربوط به تفاهم‌نامه به ویژه تأکید ایشان بر علی‌الاصول، تضمین رئیس‌جمهور بر حفظ منافع کشور، دلسوز بودن رئیس‌جمهور و تیم مذاکره‌کننده، بی‌اعتمادی به دشمن و... پس از نقض عهد امریکا بر همگان روشن و خدعه امریکایی را باطل کرد. سردار قریشی در پایان با تأکید بر حساسیت شرایط کنونی، خطاب به مسئولان و فعالان عرصه جهاد تبیین خاطرنشان کرد: امروز نقش روشنگری و جهاد تبیین در خنثی‌سازی جنگ شناختی دشـــمن، کمتر از نقش نیروهای نظامی در میدان دفاع نیســـت. باید با نگاه کلان، روایت درست و امیدآفرین از واقعیت‌ها ارائه شود، از افتادن در دام خرده‌روایت‌های تفرقه‌افکن پرهیز شـــود و با تقویت وحدت ملی، ظرفیت‌های مردمی و ساختار دفاعی کشور در مسیر ســـاخت ایران قوی به یکدیگر پیوند بخورد؛ چراکه در این میدان، هر ایرانی می‌تواند یک بســـیجی و بخشـــی از قدرت ملی کشور باشد.